

هیئات حسینی؛ قلب نهضت امام خمینی(ره)



هیئات حسینی که حامل پیام عاشورا بودند در مقاطع مختلف توانستند رژیم شاهنشاهی را به چالش کشیده و وادار به تسلیم کنند؛ این کارکرد هیئات نشان از حقیقت پیام نهضت حسینی و ظرفیت این نهضت برای الهام‌بخشی حرکت‌های اسلامی و نقش‌آفرینی در حوادث روز دارد.

هیئات حسینی که حامل پیام عاشورا بودند در مقاطع مختلف توانستند رژیم شاهنشاهی را به چالش کشیده و وادار به تسلیم کنند؛ این کارکرد هیئات نشان از حقیقت پیام نهضت حسینی و ظرفیت این نهضت برای الهام‌بخشی حرکت‌های اسلامی و نقش‌آفرینی در حوادث روز دارد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت ایت‌الله العظمی خامنه‌ای در گزارشی به نقش هیئات حسینی در اتفاقات سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ که نقطه‌ی عزیمتی برای نهضت اسلامی در ایران بود پرداخته است:

یکی از عوامل مؤثر در پیروزی نهضت اسلامی در ایران، نقش‌آفرینی هیئات حسینی در آن بود. هیئات حسینی که حامل پیام عاشورا بودند در مقاطع مختلف توانستند رژیم شاهنشاهی را به چالش کشیده و وادار به تسلیم کنند. این کارکرد هیئات نشان از حقیقت پیام نهضت حسینی و ظرفیت این نهضت برای الهام‌بخشی حرکت‌های اسلامی و نقش‌آفرینی در حوادث روز دارد؛ موضوعی که از نظر رهبر انقلاب نمی‌تواند از کارکرد هیئات حسینی جدا شود: «هیئات‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. این‌که آدم در یک مجلس روزه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است».

فروردین ماه ۱۳۴۳ وقتی امام خمینی رحمه‌الله پس از تحمل زندان آزاد شد، در پیامی به اظهار تأسف از تسلط اسرائیل و عواملش بر شئون مملکت و تمجید از مبارزه‌ی حماسی در عاشورای ۱۳۴۲ پرداخت و فرمودند: «اشخاص متدین را، به جرم آنکه در عاشورا دسته راه انداخته‌اند و شعار ضداسرائیل با خود داشته‌اند، به حبس و زجر و شکنجه کشیدند و اکنون هم در حبس به سر می‌برند، با آنکه با کمال آرامش حرکت می‌کردند...»

پیام امام امت اشاره داشت به برنامه‌های محرم سال ۱۳۴۲ شمسی که طی آن انبوه بی‌شمار شرکت‌کنندگان در راهپیمایی روز عاشورا به تظاهرات علیه انقلاب سفید پرداختند. امام اعلامیه‌های مؤثری در مقدمه‌سازی برای برنامه‌ی محرم صادر کردند که مهمترین آن‌ها پنج روز قبل از شروع محرم یعنی در ۲۸ اردیبهشت‌ماه بود؛ شهید شیخ فضل‌الله محلاتی در خاطراتش نقل می‌کند که امام وی را مأمور نمود تا سران هیئت‌های عزاداری تهران را به جلسه‌ای فراخوانده تا برای اتخاذ تدابیر لازم جهت بهره‌برداری سیاسی از مجالس برنامه‌ریزی کنند.

شهید عراقی، حلقه اتصال امام خمینی(ره) با هیئات مذهبی

مرحوم حبیب‌الله شفیق در خاطرات خود می‌گوید که هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی در آستانه‌ی محرم طی رایزنی‌هایی که با استاد مرتضی مطهری و دکتر بهشتی به عمل آوردند «قرار بر این شد که دهه‌ی محرم، اهل منبر و مداحان اهل بیت شعار تازه‌ای بسازند و برنامه‌های جدیدی را ارائه دهند؛ لذا به آقایانی که مرثیه و شعر می‌سراییدند، اطلاع داده شد تا از اشعار نو برای دهه‌ی عاشورا استفاده کنند.» در اجرای این برنامه، «شهید مهدی عراقی» که یکی از حلقه‌های اتصال امام خمینی با هیئت‌های مذهبی تهران بود، به سراغ مداحان و نوحه‌خوان‌های هیئت‌ها رفت و برای این منظور با آنان گفت‌وگو نمود.

شهید حاج مهدی عراقی نیز در خاطراتش به‌طور تفصیلی از کوشش‌های خود برای جلب حمایت «شیخ‌الواعظین» تهران یعنی حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی سخن رانده و اضافه می‌کند که برای این منظور ناچار شده است از امام بخواهد تا نامه‌ای برای جلب نظر آقای فلسفی و خطاب به او بنویسد. متن نامه بدین شرح است: «حضرت حجت‌الاسلام آقای فلسفی لازم است از بیانات حساس جنابعالی در این وقت اختناق عجیب تشکر کنم. امروز، روزی است که حضرات مبلغین محترم و خطبای معظم، دین خود را به دین اثبات فرمایند... از قرار اغلب گویندگان محترم با ما هم‌آواز هستند. امید است، خداوند تعالی آن شواذی [= نادر] که از حبس، از زجر، از خوف بیم دارند [را] بیدار فرماید...»

شهید عراقی در ادامه‌ی خاطراتش تصریح می‌کند که جلب نظر افرادی مانند مرحوم فلسفی از میان وعاظ و حاج‌عباس زری‌باف و حاج ناظم از میان مداحان تهران از این جهت اهمیت داشت که بسیاری از وعاظ و مداحان، پیرو و دنباله‌رو آنها بودند. همچنین شهید عراقی و یارانش موفق شدند که نظر برخی از لوطی‌های جنوب تهران همچون طیب حاج‌رضایی و حسین رمضان‌یخی را نیز جلب کنند.

«هیئت بنی‌فاطمه» که جزو قدیمی‌ترین هیئات تهران محسوب می‌شود و در آن مداحانی چون مرحوم علی‌اکبر ناظم و مرحوم سیداسماعیل زری‌باف مداحی می‌کردند نیز بازوی دیگر دسته‌های عزاداری در حمایت از نهضت امام بودند. گزارش‌های ساواک درباره‌ی هیئت بنی‌فاطمه حکایت از آن دارد که این هیئت به صورت دسته‌های سینه‌زنی در بازار تهران حرکت نموده و «نوحه‌ها و اشعار آن تماماً در حمایت از خمینی خوانده می‌شود». اما وعاظ دعوت‌شده‌ی آن هیئت نیز به تعبیر این سند «دو طلبه‌ی تقریباً کم سن و سال، اما شجاع و بی‌باک» یعنی شیخ فضل‌الله محلاتی و شیخ علی‌اصغر مروارید بودند که هر دو بی‌پرده سخن می‌گفتند و در سخنرانی‌های خود در شب‌های محرم به شاه و دولت حمله می‌کردند. شهید محلاتی در خاطراتش با تأیید جو و فضای سیاسی هیئت بنی‌فاطمه، نقل می‌کند که وی به همراه مروارید، واعظان آن هیئت بودند تا این‌که مروارید به قم عزیمت نمود تا مجالس آن‌جا را اداره کند. از این رو برای شب‌های باقی‌مانده شهید مطهری آمد که در نهایت بعد از منبر شب دوازدهم دستگیر شد؛ ولی شیخ فضل‌الله محلاتی توانست از دست مأموران امنیتی بگریزد.

مرحوم زری‌باف در خاطراتش نقل می‌کند که چون پیام امام مبنی بر این‌که لازم است «وقایعی را که الان در کشور می‌گذرد به صورت نوحه و شعار بسرایید و در جلسات خودتان مطرح کنید» را از طریق شهید عراقی دریافت نموده، دست به کار شده است و از آن‌جا که خودش در روز واقعه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم در آن مدرسه حضور داشته و فاجعه را به چشم خود دیده بود، درصدد برآمد که وقایع آن را در قالب اشعار و نوحه بسراید تا در زمان حرکت دسته‌های سینه‌زنی بخواند. از این رو نوحه‌ای با ترجیع‌بند ذیل جهت هیئت بنی‌فاطمه در روز تاسوعا سرایید: «قم دشت کربلاست - هر روزش عاشوراست - فیضیه قتلگاست - خون جگر علما - واویلا واویلا - شد موسوم یاری مولانا خمینی (دوباره)»

محسن رفیق‌دوست یکی از اعضای هیئت بنی‌فاطمه نیز در خاطراتش نقل می‌کند که وی به اتفاق جمعی از جوانان مسجد محمدی در جلساتی این نوحه را تمرین کردند و در روزهای تاسوعا و عاشورا هیئت بنی‌فاطمه آن را دم گرفتند.

عباس زری‌باف نیز در خاطرات خود تصریح می‌کند که علاوه بر نوحه‌ی مذکور، یک نوحه‌ی دیگر نیز در خصوص پایین انداختن طلاب از پشت‌بام فیضیه در جریان حمله‌ی مأموران امنیتی به آن مدرسه در دوم فروردین ۱۳۴۲ - که خود شاهد آن فجاج بود - سروده است. ابیات تکرار آن سروده از این قرار بود: «دانشگاه فیضیه - چون دشت ماریه طلاب دینیه - واویلا واویلا - افتاده جسم هر یکی‌شان از لب بام - خمینی خمینی - تو فرزند حسینی - تو حامی دینی»

ناگفته پیداست که موارد ذکر شده تنها نمونه‌هایی از مجالس و محافل سیاسی در محرم ۱۳۴۲ و در پوشش مجلس عزاداری آن سال است. گزارش‌های بی‌شمار مأموران ساواک از مساجد تهران حاکی از غلبه‌ی روح سیاسی بر بیشتر مجالس پرجمعیت تهران در محرم سال ۴۲ است. بر اساس این گزارش به جرئت می‌توان ادعا کرد که ده‌ها تن از وعاظ پیشرو عامل پیام‌رسانی آموزه‌های نهضت در تهران شدند.

عاشورای سال ۴۲، نقطه مرکزی در شروع نهضت

عاشورای سال ۴۲ با عاشورای سال‌های دیگر متفاوت بود. مردم با رهنمود امام خمینی رحمه‌الله به دنبال فرودآوردن ضربه‌ای دیگر بر رژیم شاه بودند. مرحوم عسکراولادی در این خصوص می‌گوید: «راهپیمایی عاشورا محصول چند جلسه‌ی پی‌درپی است. امام در فروردین‌ماه به ما اجازه ندادند برای شهدای فیضیه برنامه‌ای داشته باشیم، بلکه در اردیبهشت‌ماه به‌عنوان چهل شهدای فیضیه اجازه دادند که ما در تهران برنامه داشته باشیم. برنامه‌ها اول یکی در مسجد بازار دروازه‌ی حضرتی بود که آمدند و جلوی آن را گرفتند. دیگر آن‌جا به ترتیب آشنا شدیم. فردا شب را اعلام کردیم مسجد امین‌الدوله، پس فردا شب را مسجد حمام گلشن آقای غروی و همین‌طور گسترش پیدا کرد و بعضی شب‌ها تا ۲۰ جا برای مدرسه‌ی فیضیه برنامه برگزار می‌شد. اداره کردن این مراسم، ما را به هم نزدیک کرد. خدا رحمت کند شهید صادق امانی را، روی بارهای انبار آن‌ها می‌نشستیم و برنامه‌ریزی می‌کردیم. انبارشان کنار سر قبر آقا بود و شاید صد تا کیسه بار روی هم می‌چیدند و ما می‌رفتیم آن بالا می‌نشستیم که اصلاً کسی حدس هم نمی‌زد که آن‌جا دور هم جمع شده‌ایم! در آن‌جا برنامه‌ریزی کردیم که از امام درخواست کنیم به ما اجازه بدهند که ما دسته‌ی ممتازی در روز عاشورا داشته باشیم. آقای توکلی و بنده و مرحوم شفیق رفتیم خدمت امام و شیوه‌ی راهپیمایی را که از جنوب تا شمال تهران آن روز، از مسجد حاج ابوالفتح به طرف دانشگاه و بازگشت به مدرسه‌ی صدر بود، برای امام گفتیم. ما گفتیم که علم و کتل نمی‌آوریم و با پلاکاردها و پرچم‌های بلند و با قرآن حرکت کنیم. امام فرمودند کار خوبی است و اجازه دادند.»

صبح عاشورای ۱۳۴۲ سیل جمعیت در تهران با شعارهایی که توسط شهید صادق امانی سروده شده بود از مبدأ راهپیمایی یعنی مسجد حاج ابوالفتح در میدان قیام حرکت نمود. پلیس از ابتدای صبح مسجد را در محاصره گرفته بود، اما سیل جمعیت آنان را به وحشت انداخت و نتوانستند مقاومتی کنند. پس از هماهنگی‌های لازم جمعیت به طرف دانشگاه تهران به حرکت درآمد. به گفته‌ی شهید محمد صادق اسلامی: «از همه‌ی دسته‌جات مذهبی دعوت کردیم که در این راهپیمایی شرکت کنند. و امام هم تأیید کردند و مخصوصاً یکی از شعارهای ما را اصلاح کردند. این راهپیمایی اثر بسزایی در برخورد با رژیم داشت و شعارها عموماً ضد رژیم بود. شعاری که در این راهپیمایی داده می‌شد به وسیله‌ی مرحوم صادق امانی ساخته شده بود: گفت عزیز فاطمه - نیست ز مرگ واهمه - تا به تنم روان بود - زیر ستم نمی‌روم - خمینی خمینی خدا نگهدارتو - بمیرد بمیرد دشمن

جمعیت نزدیک کاخ (شاه) که رسید شعار باز هم عوض شد؛ مردم با کوبیدن پا به زمین و با مشت گره کرده فریاد می زدند: «تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد» رژیم هم در ابتدا عده‌ای از مأمورینش را فرستاده بود در مسجد حاج ابوالفتح در خیابان ری و اول مولوی که مانع از حرکت این دسته شود، ولی هجوم جمعیت موجب شد که در مسجد را شکستند و در آنجا جمع شدند و رژیم نتوانست مانع این راهپیمایی شود و دلیل آن هم این بود که آن روز عاشورا بود و احساسات مردم قوی و تند بود.»

در روز عاشورا و فردای آن، خیابان‌های تهران مملو از جمعیت عزاداری بود که با در دست داشتن تصاویر امام خمینی فریاد می‌زدند: «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو - بمیرد، بمیرد، دشمن جبار تو» هنگام عبور عزاداران از مقابل کاخ مرمر نیز شعار «پیروز باد ملت، بر شاه ننگ و نفرت» از سوی مردمی که اشاره به کاخ شاه داشتند تکرار می‌شد.

طیب مسلمان، در مقابل دینش مقاومت نمی‌کند

محرم آن سال، محرم عجیبی بود؛ دسته‌های عزادار، یاری امام خمینی را همچون یاری سیدالشهدا علیه‌السلام در روز عاشورا می‌دانستند و ایران و قم را کربلا. اما یکی از زیباترین نقاط عطف عاشورای ۱۳۴۲، رویش حر انقلاب بود. آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی در این باره می‌گوید «بعدها شهید عراقی نقل کردند که روزی که در قم در محضر امام بودیم؛ ایشان فرمودند: «امسال هیئت‌ها جهت‌دار باشند.» ما به امام عرض کردیم مهم‌ترین هیئت متعلق به طیب است که طرفدار شاه است و اگر او مخالفت کند، کارها خراب می‌شود. امام فرمودند: «طیب مسلمان است و در مقابل دینش مقاومت نمی‌کند.» و به این شکل بود که ما به فکر افتادیم با طیب صحبت کنیم. ما رفتیم و به طیب گفتیم آقای خمینی فرموده‌اند که طیب مسلمان است و در مقابل دینش نمی‌ایستد. همین که این حرف را زدیم، او سرش را پائین انداخت، بعد یکی از نوچه‌هایش را صدا زد و ۲۰۰ تومان پول به او داد و گفت برو و یک عکس از آقا تهیه کن که جلوی دسته قرار بدهیم. او قبلاً عکس شاه را بزرگ می‌کرد و جلوی دسته قرار می‌داد، ولی حالا می‌خواست عکس امام را بگذارد و دسته راه بیندازد. آن روز آمدند و به من گفتند که دسته‌ی طیب آمده و عکس حاج آقا روح‌الله را جلوی دسته گذاشته است. ما تعجب کردیم که جریان از چه قرار است، چون تا آن روز تصور می‌کردیم که طیب، فدایی شاه است.»

در روز دوازدهم محرم طیب را دستگیر کردند و تنها شرط آزادی وی را اعلام دریافت پول از امام برای آشوب اعلام کردند. طیب شرط را می‌پذیرد.

آیت‌الله سید جعفر شبیری زنجانی ادامه این ماجرا را چنین نقل می‌کند: «تا روز آخر هم آن‌ها فکر نمی‌کردند از طیب رودست بخورند، به همین خاطر دادگاه او را علنی کردند و خبرنگارها آمدند که خبر را منعکس کنند. طیب وقتی پشت تریبون قرار می‌گیرد، لباسش را بالا می‌زند و نشان می‌دهد که سینه‌اش را سوزانده‌اند و می‌گوید که این‌ها این کار را کردند تا من بگویم که آقای خمینی به من پول داده تا این کار را بکنم. من اصلاً تا امروز ایشان را ندیده‌ام و اگر هم می‌دیدم، هرچه داشتم به ایشان می‌دادم، نه این‌که پول بگیرم. حالا هم حتی اگر کشته شوم، این تهمت را نمی‌زنم.»

از آن روز به بعد به او سخت می‌گیرند و حتی مسئله اعدام را هم مطرح می‌کنند. آقای کاتوزیان که امام جماعت مسجدی در همان مناطق بود نقل می‌کرد که که بعد از شهادت طیب، همسر او را دیده و از او پرسیده که طیب در آخرین ملاقات، به او چه گفته است؟ همسر طیب گفته بود: «بعضی چیزها را مجاز نیستم بگویم. ولی من به او گفتم: تو نان‌آور خانه هستی. و او جواب داد: به اندازه‌ی کافی نان گذاشته‌ام. اگر هم به فکر یتیم‌شدن بچه‌ها هستی، تا به حال چندین بار چاقو خورده و تا دم مرگ رفته‌ام و خدا را شکر که در اثر ضربه‌ی چاقو نمردم و ماندم تا در راه خدا کشته شوم.» طیب گفته بود که حتی به او وعده داده‌اند که اگر با آن‌ها همکاری کند، مقام‌های بالایی به او می‌دهند، اما او خودش را در خواب با یاران امام حسین علیه‌السلام دیده است و ارزش ندارد که به خاطر مقام‌های دنیوی، آن مقام را از دست بدهد. به همسرش گفته بود برای من غصه نخورید.

شعارهای ضداسرائیلی و مقابله با ذلت‌پذیری در محرم سال ۴۳

سال بعد نیز هیئات مذهبی همان خط قبل را دنبال کردند. امام در پیام ماه محرم سال ۱۳۴۳ نیز رابطه با اسرائیل را ننگ بزرگ شمرده و خواستار وحدت مسلمین برای مقابله با اسرائیل بود. این پیام منجر به بزرگداشت حادثه‌ی سال قبل شد. به گفته‌ی شهید محمد صادق اسلامی «در سالگرد ۱۵ خرداد اعلامیه‌ای با امضای ۴ نفر از علما به رهبری امام صادر شد و یک راهپیمایی گرچه کوچکتر از سال قبل ولی متشکل‌تر و فشرده‌تر، مرکب از قشرهای مختلف جامعه از جمله دانشجویان، بازاریان و کارگران برپا شد. این راهپیمایی یک‌باره از زمین جوشید. به این ترتیب که با قرار قبلی و با بلند کردن پرچم، افرادی که قبلاً آماده شده بودند، اطراف پرچم‌ها جمع شدند و حرکت کردند. وقتی پلیس خبر شد که راهپیمایی به نزدیک مجلس شورا رسیده بود و در آنجا حمله‌ی پلیس آغاز شد و ۵۰ نفر من جمله شهید عراقی را دستگیر کردند که حدود دو ماه در زندان شهربانی بود و پلیس نتوانست خط جمعیت‌های مؤتلفه را کشف کند و حتی ارتباط ایشان را با قضایای ۱۵ خرداد سال قبل بیابد.»

شهید مهدی عراقی درباره راهپیمایی سال ۱۳۴۳ می‌گوید: «بچه‌ها مقدمات دسته‌ی روز عاشورا را فراهم کردند. این دفعه از مسجد شاه قرار شده بود راه بیفتیم بیابان سیروس و از آنجا هم بیاییم مجلس و از آنجا برویم به طرف دانشگاه. عکس‌های بزرگی از حاج آقا انداخته (شده بود) و آماده شده بود و پلاکاردها هم همان پلاکاردهای سال گذشته یک مقدارش

بود... زد و خورد شد بین بچه‌ها و پلیس... البته توی آن درگیری و زد و خورد ۳۸ نفر دستگیر شدند که از جمله خود من بودم.» یکی از محورها در راهپیمایی عاشورای سال ۴۳ «مقابله با ذلت‌پذیری در برابر دشمنان اسلام» بود. به گفته‌ی شهید لاجوردی که در همه‌ی صحنه‌های مبارزه علیه شاه و استکبار، نقش مؤثری را در جمع یاران داشت: «شهید همیشه زنده ما "مهدی" در تظاهرات عظیم سال ۴۳ که به ابتکار جمعیت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی ترتیب یافت، سخنرانی پرهیجانی را ایراد کرد که در آن زمان و در چنان تظاهراتی، کمتر کسی را جرئت چنین کاری بود.» این راهپیمایی تحرکی مجدد پس از کشتار بی‌نظیر شاه در ۱۵ خرداد بود که موجی نو را آغاز کرد. محور مبارزات امام از این پس در مقابله با کاپیتولاسیون آمریکایی شاه بود. مبارزاتی که به تبعید امام خمینی رحمه‌الله و فرزند بزرگوارشان حاج آقا مصطفی به ترکیه منجر شد و پس از آن موجی از افشاگری راه افتاد که بسیاری از مبارزین دستگیر، محاکمه و به زندان محکوم شدند.